

معنی قسمت داده شده از شعر خبر داغ را بنویسید.

عاقبت باز رسید خبر از دشت به ده

آهو از دشت گریخت رمه برگشت به ده

۵

مخالف کلمات داده شده را بنویسید.

ناپدید

دشوار

نهان

برآق

۶

(.....) (.....) (.....) (.....)

جاهای خالی را از کلمات داده شده ی درس آفریدگار زیبایی : به طور مناسب انتخاب و پر کنید.



چیره دست، نظاره، خوشه های طلایی، صحبت

انبوه، گردنبند هایی، صنوبرها، طور، تصویرها، گلگون، بگذار، سطح

جهان افروز، حشرات، قشر، گودال های، نگارها، طبیعت، غوک، شگفت انگیز

پذیرفت، قطره، ارغوانی، مهاجر، دریغ، نخست

✧ بهار دستی بر درختان برد و بر آن ها از گل های صورتی آویخت : در جنگل

کوچک و بزرگ درست کرد. خورشید از دیدن منظره ی بهار لذت برد.

✧ تابستان کنار جنگل را با بوته های تمشک زینت داد. بر شاخه های درختان میوه آن قدر

سیب و گلابی آویخت که تاب نیاوردند و دشت را با گندم پوشانید.

✧ پاییز به رنگ کاج ها و سروها و دست نزد و با خودش گفت : ((..... اینها همان

..... بمانند و روی سیم های برق پرستو های را نشانید.

✧ زمستان زمین را با نازکی از یخ برآق کرد و روی برف ها نقش و

..... و جای پاهای گوناگون : نقاشی کرد.

✧ خورشیدنگاهی به انداخت و گفت : ((ای نقاشان به نوبت نقاشی کنید و

اثر خود را پدید آورید.

کلمه های داده شده را فقط در یک جمله به کار ببرید. ((بقیه، پرندگان، پاییز))

۸

صحيح وغلط بودن هر يك از جملات زير را مشخص كنيد.

ص غ

تورانينان از ايرانيان شكست خوردند.

ص غ

ايرانيان پيشنهاد كردند تيري به سوي خاور پرتاب كنند.

كلمه هاي داده شده را با يكدیگر تركيب کرده و شش كلمه ي جديد معنادار بسازيد.

| | | |
|-------|------|-----|
| نيرو | زمين | روز |
| سر | بال | تير |
| مند | گين | |
| اندوه | تيز | نيم |
| انداز | | |

..... = + * = +

..... = + * = +

..... = + * = +

مفرد كلمات زير را بنويسيد.

جوانان : (.....) ايرانيان : (.....) بازوان : (.....) خطرها : (.....)

كلمات مخالف را به يكدیگر وصل كنيد.

خاور ⊕ محكم ⊕ سختی ⊕ تيره ⊕ ضخيم ⊕ آشتی ⊕

سُست ⊕ نازك ⊕ قهر ⊕ باختر ⊕ آسانی ⊕ روشن ⊕

منظور از ((مرز را پرواز تيري مي دهد سامان)) چیست ؟

.....

پيام اصلي هر جمله را پيدا کرده و در جاي داده شده بنويسيد.

زندگی همیشه می تواند زیبا باشد.

پيام جمله :

آرش گفت : ((خدايا ! مرا ياری کن يا سرزمينم را از دست دشمنان نجات ده.))

پيام جمله :

پدر و مادر هم در کودکی و هم وقتی که پسری جوان بودم از من ناراضی بودند.

پيام جمله :

جمله های زير را با حرف ربط (و) به هم مربوط کرده و در جاي داده شده بنويسيد.

❖ (تير از کوه و دره گذشت. بر درختی در کنار رود جيحون نشست.)

.....

❖ (معلم شروع به تدریس علوم کرد. توضیحات مفصلی راجع به میکروب ها داد.)

.....

| | |
|---|--|
| <input type="checkbox"/> ص <input type="checkbox"/> غ <input type="checkbox"/> ص <input type="checkbox"/> غ | <p>درست و نادرست بودن جملات زیر را مشخص کنید.</p> <p>☒ سوغات بازرگان برای طوطی آزادی او از قفس بود.</p> <p>☒ بازرگان از لرزیدن و مردن طوطی در هندوستان شگفت زده شد.</p> |
|  | <p>بر اساس داستان درس طوطی و بازرگان ترتیب جمله را مرتب کنید.</p> <p><input type="checkbox"/> بازرگان به خانه ی خویش بازگشت.</p> <p><input type="checkbox"/> بازرگان با شرمندگی ماجرا را برایش تعریف کرد.</p> <p><input type="checkbox"/> بازرگان ، طوطی را از پنجره ی خانه به باغ انداخت.</p> <p><input type="checkbox"/> طوطی در باره سوغاتی اش از بازرگان پرسید.</p> <p><input type="checkbox"/> بازرگان ، پیام طوطی اش را به طوطیان هندوستان داد.</p> <p><input type="checkbox"/> طوطی اش درست مثل همان طوطی شروع به لرزیدن کرد و در قفس افتاد.</p> <p><input type="checkbox"/> طوطی که از بند آزاد شده بود ، پرواز کرد و روی شاخه ی درخت نشست.</p> <p><input type="checkbox"/> با شنیدن حرف های بازرگان یکی از طوطیان بر خود لرزید و از بالای درخت افتاد.</p> |
| <input type="checkbox"/> ج : بشنو و باور مکن. <input type="checkbox"/> ب : هیچ ارزانی بی علت نیست. | <p>وقتی به کارگری کم تر از بقیه دستمزد می دهند. کدام مثل زیر به کار می رود؟</p> <p><input type="checkbox"/> ب : آب در هاون کوبیدن</p> <p><input type="checkbox"/> الف : مرغ همسایه غاز است.</p> |
| <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-bottom: 5px;"> </div> | <p>مفهوم کلمات مرکب زیر را بنویسید.</p> <p>روزنامه</p> <p>کارنامه</p> |
| | <p>منظور از دسته گل به آب دادن چیست ؟</p> |
| <div style="border: 1px solid black; padding: 10px; text-align: center;">  </div> | <p>جاهای خالی را با توجه به آن چه در درس طوطی و بازرگان خوانده اید پر کنید.</p> <p>بازرگان هر روز باطوطی سخن می گفت و از صحبت هایش می برد. طوطیان با شنیدن حرف های بازرگان ماندند. بازرگان از دیدن آن شگفت زده شد. بازرگان نمی دانست چگونه مُردن طوطی هندوستانی را به طوطی خودش بگوید. با سرش را بلند کرد و بیان کرد. بازرگان که طوطی خودش را از دست رفته دید به گریستن کرد.</p> |

هم خانواده ی کلمات داده شده را بنویسید.

تعلیم < > حکیم < > حاضر < > قصد < >

۷

مخالف کلمه های زیر را بنویسید.

سوار: (.....) زندگی: (.....) شادمان: (.....) نیک نامی: (.....)

۸

داستان زیر را بخوانید و به سوالات پاسخ دهید.

روزی، اتوبوس خلوتی در حال حرکت بود. پیرمردی با دسته گلی زیبا روی یکی از صندلی ها نشسته بود. مقابل او دخترکی جوان قرار داشت که بی نهایت شیفته زیبایی و شکوه دسته گل شده بود و لحظه ای از آن چشم بر نمی داشت. زمان پیاده شدن پیرمرد فرا رسید. قبل از توقف اتوبوس در ایستگاه، پیرمرد از جا برخاست، به سوی دخترک رفت و دسته گل را به او داد و گفت: ((متوجه شدم که تو عاشق این گل ها شده ای. آنها را برای همسرم خریده بودم و اکنون مطمئنم که او از اینکه آنها را به تو بدهم خوشحال تر خواهد شد. دخترک با خوشحالی دسته گل را پذیرفت و با چشمانش پیرمرد را که از اتوبوس پایین می رفت بدرقه کرد و با تعجب دید که پیرمرد به سوی دروازه آرامگاه خصوصی آن سوی خیابان رفت و کنار نزدیک در ورودی نشست.

به نظر شما بهترین عنوان برای این داستان چیست ؟ چرا ؟

.....

چرا پیرمرد گل را به دختر داد ؟

.....

۹

برای کلمه های داده شده هم معنی بنویسید.

حکیم: (.....) اندوخت: (.....) قضا: (.....) برافراشته: (.....)

تعلیم: (.....) سرمایه: (.....) شهرت: (.....) چاره: (.....)

۱۰

سه کلمه ی (حکیم ، ماسه ، ساحل) را در یک جمله سوالی به کار ببرید.

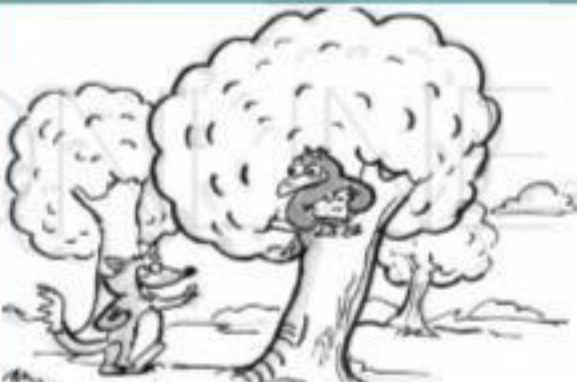
.....

۱۱

از زبان روباه و کلاغ باهم صحبت کرده و بنویسید.

.....

۱۲



| | | |
|--|---|---|
| <input type="checkbox"/> ص <input type="checkbox"/> غ <input type="checkbox"/> ص <input type="checkbox"/> غ | <p>درست و نادرست بودن جملات زیر را مشخص کنید.</p> <p>✘ علم و دانش سرمایه ای ماندنی برای انسان است.</p> <p>✘ حکیم برای زنده ماندن خود به حاکم التماس کرد.</p> | ۱ |
|  | <p>بر اساس داستان درس ارزش علم ترتیب جمله را مرتب کنید.</p> <p><input type="checkbox"/> حکیم سرگرم تعلیم جوانان شد.</p> <p><input type="checkbox"/> کشتی در توفان چند تکه شد و مسافران در میان امواج گرفتار شدند.</p> <p><input type="checkbox"/> حکیم نجات یافت و بر روی ماسه های نرم کنار دریا می نوشت.</p> <p><input type="checkbox"/> او در کشتی به زندگی مردمان فکر می کرد و شادمان بود.</p> <p><input type="checkbox"/> وقتی چشم باز کرد خود را در ساحلی دور تنها دید.</p> <p><input type="checkbox"/> در روزگاران قدیم، حکیمی قصد سفر کرد.</p> | ۲ |
|  | <p>جاهای خالی را با کلمات مناسب با توجه به درس چهار فارسی پر کنید.</p> <p>کشتی دچار شد. چیزی که کشتی چند تکه شد.</p> <p>حکیم به خواندن و نوشتن بسیار داشت. مرد ماهگیر از کار او کرد و وقتی به شهر برگشت از کار او با مردم کرد. خبر به گوش امیر رسید و او به حکیم گفت: ((ما به دانش و تو نیاز داریم. به جوانان ما چیزی بیاموزی؟))</p> <p>حکیم سرگرم جوانان شهر شد.</p> | ۳ |
|     | <p>فرض کنید با دوست خود صحبت می کنید در هریک از موارد زیر، چه جمله ای استفاده می کنید.</p> <p>✘ اگر بخواهید در مورد گلدان زیبایی که روی میز است جمله ای بیان کنید.</p> <p>✘ وقتی بخواهید از او برای بازی کردن دعوت کنید.</p> | ۴ |
|   | <p>با حروف داده شده چهار کلمه ی معنی دار بسازید.</p> | ۵ |
| <p>جای خالی را با کلمه ی مناسب پر کنید. ((گوینده برای انتقال پیامش به مخاطب از استفاده می کند.))</p> | ۶ | |